



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۲/۰۱/۰۴

دوکتور نور احمد خالدی

مباحثه پشتون و تاجیک

درباره جمهوری پنجم آقای رزاق مامون مباحثه جالبی داشتم با دو جوان دو آتشفشان شورای نظاری که چگونه میتوان پشتونها و تاجیکان را متحد ساخت؟

اولی: در افغانستان هم دولت بدست پشتونها بود و هم کسانی که با دولت می جنگیدند پشتونها بودند. بنابراین راه حل آنست که باید در افغانستان نظام فدرالی با خودمختاری کامل واحد های فدرال ایجاد شده و خط دیورند به حیث سرحد رسمی برسمیت شناخته شود و کلمه افغان ملیت مردم افغانستان نباشد؛

دومی: دولت افغانستان بعد از معاهده 1921م امان الله خان و روسها به حیث یک دولت حایل ایجاد شده اما بعد از پانزدهم اگست 2021م ادامه کشور افغانستان دیگر امکان ندارد، اقوام غیر پشتون برای ایجاد یک کشور جدید بنام کابلستان، خراسان، یا آریانا یاباختر به هروسيله یی بشمول قیام مسلحانه اقدام کنند!

هرگاه این تفکر جوانان شورای نظاری در میان درس خوانده های تاجیکان عام باشد چه انتظاری میتوان از آینده داشت!

متأسفانه این گونه طرز دید نظریات یک اقلیت بی تاثیر نیست که آنرا بتوان نادیده گرفت. اشتباه بسیاری در همین جاست. این نظر اشخاص با نفوذی مثل پدرام، عبدالله، حفیظ منصور، بسم الله محمدی، آریوفر، عطا نور، تمام فامیل مسعود، لعلزاد و چهره هایی مانند آنها و ملیونها حامیان آنها است.

متأسفانه این گونه اشخاص اند که، غرب دیده و شرق دیده شان در لجنزار تعصبات قومی و پشتون سیزی تا گلو غرقند اما پشتونها را بخاطر دفاع از هویت ملی و ارزشهای ملی این کشور قومپرست خطاب میکنند.

این گروه شر و فساد نمیخواهند در این کشور با پشتونها در برادری زندگی کنند و یک کشور و جامعه دموکرات، عدالت خواه، متمدن پیشرفته در همکاری با روشنفکران پشتون ایجاد کنند. بر عکس تمام روشنفکران پشتون را برچسب طالب میزنند. احمد شاه مسعود اول با استفاده از شرایط خاص بزور کودتا دوستم پیروز شد و بعداً دوباره قدرت بزور طیارات ب 52 امریکایی به شورای شر و فساد داده شد و آنها خیال کردند همه کاره این کشور هستند.

کسانی که در یک هزار سال گذشته اسم شان در هیچ تاریخی موجود نیست، نه در تاریخ ترکبازان، نه در تاریخ مغولان، نه در تاریخ فارسها و ایرانیها، نه در تاریخ هزاره ها، نه در تاریخ هندوها و انگلیسها و روسها نه در تاریخ پشتونها فکر کردند میتوانند هویت سیاسی و تاریخی سه صد سال افغانستان را عوض کنند. به بزرگترین زدی و چپاول داری های ملی، کمکهای خارجی، امکانات اقتصادی، اداری دست زدند، سرمایه های قارونی اندوختند.

گروه شر و فساد بالای پشقل استاده دفعتاً کشمیر را دیدند و در صدد شکستن و ریختن هرچه دم دست شان آمد شدند. شروع به پشتون و افغان زدایی کردند. در صدد بازنگری و مسخ تاریخ این کشور بر آمدند، کوشیدند یک دزد جاهل ضد ترقی و تمدن را به یک قهرمان و عیار مبدل سازند، در صدد تغییر نام این کشور افتادند، در تصور تغییر ملیت مردم این کشور افتادند و در تصور تغییر زبان دری به فارسی ایرانی افتادند. به تشویق اشخاصی مانند پدرام پای را در یک موزه کردند که سمبولهای ملی این کشور را بشکنند و هویت سیاسی، هویت فرهنگی و هویت اجتماعی این کشور و دولت را عوض کنند. در گیر و دار این شکستن و درهم ریختن قادر به قبولی نتایج پروسه های دموکراسی در سه انتخابات پیهم نشدند و دموکراسی نوپا و بنیادهای نوپای دموکراسی را در این کشور بدنام ساختند و درهم شکستند و بزور شورش، حمله بر ارگ و ایجاد حکومت موازی سبب نزول مورال مردم، و نیرو های مسلح گردیده سبب تضعیف و در نهایت سقوط دولت جمهوری اسلامی شدند.

آنها غافل از اینکه این کشور و این دولت از خود صاحب دارد همانطوریکه سه صد سال قبل آنرا ایجاد کرده امروز و صد سال آینده هم قادر است از آن دفاع کرده از فروپاشی آن جلوگیری کند.